



پیشنهادهای ساده‌سازانه
بعد از شواف شرم‌الشیخ ادامه دارد

رؤیا فروشی ممنوع

مذاکره جامع با چه کسی و چگونه؟
میخ، داروخانه و مغز تگ فاز

مسعود قروغی
قائم مقام مدیر مسئول

وقتی سال‌ها پیش در اوایل دهه ۹۰ الیاس نادران درباره موضوعی ماجرایی میخ و داروخانه را با استعاره نفت به ادبیات سیاسی آورد، خیلی‌ها مجبور شدند برای جافتادن منظور او داستان را کامل تعریف کنند. داستان همان معلوم الحالی که قصدش از پرسش درباره اینکه داروخانه میخ دارد یا نه، خرید میخ نبوده و غرض دیگری داشته؛ «اجابت مزاج» آن بنده خدانه ربطی به میخ داشته نه داروخانه. اما گویا دنبال بهانه‌ای بود تا کارش را انجام دهد. حال اینکه چرا یاد نطق سال‌ها پیش نادران در مجلس افتادم، بومی‌گرد به تقای بخش‌های نیروهای سیاسی داخلی برای اینکه دولت پزشکیان و مجموعه‌های تصمیم‌گیر را به چپ‌چیزی تحت عنوان مذاکرات جامع با آمریکا مجاب کنند. واقعیت این است که گویندگان می‌دانند این حرفشان درباره اینکه «بهنجره فرصت مذاکره چند وجهی» کوتاه مدت است و سریع تصمیم بگیرد، عین ماجرایی است که از داروخانه میخ می‌خواست، واقعاً باور پذیر نیست کسانی در جلسات خصوصی و محدود رسانه‌ای درباره منطق رفتار آمریکا در یک سال اخیر به واسطه روایت‌های معتبر از ضرورت بسط و شرح این روایات برای افکار عمومی بگویند و در فضای عمومی نرفتن پزشکیان به شرم‌الشیخ را از دست رفتن فرصت تاریخی معرفی کنند.

داستان به همان اندازه کمیک و بیشتر از آن تلخ است، چون ایستادن تحقیرآمیز رهبران کشورها در صف دست دادن و عکس گرفتن با ترامپ، تنها نسخه مفروض همان دیدگاه برای درمان دردهاست. البته روشن است که بسته‌بندی ارائه این نسخه، ظاهر متفاوتی از سیاهی درون بسته دارد. در یک بسته‌بندی شیک گفته می‌شود که نظام مسائل ایران چون به تحریم‌ها متصل است و تحریم‌ها چون در آمریکا بخت و پز شده، باید از قدرت ملی ایجاد شده پس از جنگ ۱۲ روزه استفاده کنیم و همه آن مسائل را تحت عنوان «مذاکرات جامع و چند وجهی» حل کنیم. سوبه سلبی این بسته‌بندی هم می‌گوید اگر این ایده را نپذیریم، یعنی «ایران را منزوی نگه می‌داریم و نظم موجود را نمی‌پذیریم». منظور از نظم موجود همان ساز و کاری است که پس از ۱۰ سال تحریم‌های ابتدای دهه ۹۰ را برگرداند. پیشنهاد دهندگان فعلی مذاکرات جامع می‌دانند، طرف مقابل در همین رفت و برگشت‌های مذاکرات اسنپ‌بک اساساً میز مذاکره‌ای به معنای فرایند بده و بستان تعریف نکند و می‌خواست فقط بستاند! آیا اگر می‌خواستیم چیزی تحت عنوان «نظم آمریکایی» را بپذیریم، داشتن توانایی دفاع از ایران با موشک‌های با برد چند هزار کیلومتری ممکن بود؟ قطعاً خیر. آیا در همین جنگ ۱۲ روزه اگر این موشک‌های نقطه‌زن نبودند، امکان ایستادگی ملی و بی‌وزو ظهور آن انسجام ملی تاریخی بود؟ بدون شک خیر. پس دست‌آویز قراردادن انسجام شکل گرفته در ایام جنگ برای پذیرش «بسته تسلیم به نام مذاکره» تحریف تاریخ و جعل بزرگ نابخشودنی‌ای است.

قبلاً گفته شد و تقریباً همه تربیون‌دارانی که این روزها برای پزشکیان چمدان سفر به شرم‌الشیخ را می‌بستند خبر دارند، منظور ترامپ از آمادگی برای صلح با ایران، مذاکره نیست، ترامپ می‌گوید پای پرگه‌ای را امضا کنید که باید همه مؤلفه‌های قدرت ملی ایران دودستی تقدیم دشمن تا دندان مسلح شود. حتی شخص مسعود پزشکیان که در ایام انتخابات منتقد برخی رویه‌های پیشین مذاکراتی کشور بود و امروز بعد از یک سال دولت‌داری مشکلات را بهتر می‌شناسد، در مواضع شفاف و علنی این منطق را مذاکره نمی‌داند. گروه فشار رؤیافروشان اما دولت پزشکیان را در میانه میدان اجرایی کشور تنها گذاشته و فکر می‌کند پیچیدن نسخه تحقیر برای رئیس‌جمهور نجات بخش کشور است. حتی با منطق پذیرش مذاکره به روش دولت روحانی که شکست آن ایده امروز عیان شده است، ارسال سیگنال غش و ضعف برای جامعه، غیرعقلانه‌ترین رفتار با دولت ترامپ است. او دنبال تاثیری است شبیه کاری که با ژانسی در واشنگتن کرد، مثل کاری که با پادشاه انگلیس در لندن کرد و رفتاری که با رهبران کشورهای شرکت‌کننده در شرم‌الشیخ تازه در همان جانتوانست واقعیت را انکار کند. اگر سلاح و توان مبارزه حماس نبود، حتی همین اجلاس شرم‌الشیخ رخ نمی‌داد. اجلاسی که به‌وضوح نشان داد رهبران عرب و برخی دیگر از کشورهای منطقه فقط نقش «سیاهی لشکر» نمایش ترامپ را دارند، چون دوسال پس از ۷ اکتبر هیچ کدام از اهداف اعلامی اسرائیل عملیاتی نشد و حماس با هوشمندی از نیاز ترامپ به ابقای نقش صلح در خاورمیانه استفاده کرد.

مشکل کسانی که فکر می‌کنند در شرم‌الشیخ برای ایران کیاب داغ کرده بودند، نفهمیدن تفاوت میان دو پدیده است، پذیرش آزادسازی صهیونیست‌های در دست حماس در حالی که حماس همچنان محبوب‌ترین گروه اهالی غزه است و به روایت ناظران غربی کنترل واقعی غزه همچنان دست آنهاست، محصول قدرت آن‌هاست. در حالی که همه شرکت‌کنندگان آن اجلاس می‌دانند قرار بود در چنین ایامی غزه بدون حماس وجود داشته باشد. پس نه امضای قرارداد و توافق گناه کبیره است نه معامله مذموم. چیزی که در حال حاضر میان ایران و آمریکا است با چیزی که در غزه رخ داد متفاوت است. لحظه‌ای که امکان توافق متضمن منافع ملی وجود داشته باشد، هیچ نهاد قدرتی در ایران مخالف نیست؛ اما نمایش فعلی ترامپ هیچ ربطی به آن توافق مقبول ندارد. اگر کسانی واقعاً دنبال مذاکره هستند از داروخانه سؤال و درخواست نکنند، مگر آنکه منظور دیگری داشته باشند!

این وصله‌ها به انتخابات ایران نمی‌چسبد

ادعای یک مجری سابق تلویزیون واقعی نیست ۵



ناصر تقوایی، نویسنده، کارگردان و فیلمنامه‌نویس سینما
در ۸۴ سالگی درگذشت

مرگ مؤلف

دکتر ولایتی در دیدار با فرمانده حفاظت از شخصیت‌ها و دژبان فراجا مطرح کرد

رفتار مردم‌مدارانه پلیس ایران
در مقابل رفتار وحشی پلیس آمریکا

فرصت‌سوزی بزرگ در روسیه؟

برخی منابع می‌گویند ممکن است فردی سفیر ایران
در مسکو شود که اعتقادی به روابط استراتژیک دو کشور ندارد

دخل و خرج دانش بنیان‌ها زیر ذره بین «فرهیختگان»

فروش شرکت‌های
دانش بنیان ۲۰۰۰ همت شد

